

روایت کودکی دختری در اندرونی

مروری بر کتاب «بر بال‌های رویا» اثر فاطمه مرنیسی

متینه‌سادات موسوی

درآمد

فاطمه مرنیسی (۲۰۱۵-۱۹۴۰) در شهر فاس در مراکش به دنیا آمد، در دانشگاه سوربن در رشته علوم سیاسی تحصیل کرد و سپس در دانشگاه برن‌دایس ماساچوست دکتری جامعه‌شناسی گرفت. کار خود را در حوزه زنان با تدریس جامعه‌شناسی خانواده آغاز کرد، اما به تدریج به عنوان یکی از چهره‌های شناخته شده در حوزه فمینیسم اسلامی مطرح شد. او ضمن تحقیق درباره اسلام و نقش زنان، به تحلیل رشد تاریخی تفکر اسلامی می‌پرداخت. کتاب‌ها و مقالات او به سی زبان مختلف منتشر شده است. از آثارش می‌توان به کتاب‌های «آن سوی حجاب»، «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش»، «ملکه‌های فراموش شده اسلام»، «اسلام و دموکراسی» و «زنان بر بال‌های رویا» اشاره کرد. کتاب اخیر با همین نام به قلم حیدر شجاعی به فارسی ترجمه و منتشر شده و نوشتار حاضر گزارشی از همین ترجمه است.

«زنان بر بال‌های رویا»، که عنوان اصلی‌اش «روایه‌های شکستن حریم: داستان دختری در اندرونی» است، زندگی‌نامه خودنوشت مرنیسی است که در ۱۹۹۵ تألیف شده است. مرنیسی در این کتاب به روایتگری خاطرات کودکی‌اش می‌پردازد: روایتگری تاریخ از نگاه زنانی که در اندرونی نشسته‌اند و از نگاهی زنانه به دنیا می‌نگرند، خواسته‌ها و آمالی دارند و برای دستیابی به آن‌ها می‌کوشند و باور دارند که حتی اگر این تلاش‌ها در زمان خود ثمر ندهد در آینده به بار خواهد نشست. مرنیسی در پی ارائه چنین نمونه‌ای از تاریخ، می‌کوشد تا به کشف وقایعی بپردازد که در تاریخ‌های رسمی کمتر ذکری از آن به میان آمده است.

کتاب به شیوه‌ای داستانی و حول محور یک پرسش شکل می‌گیرد: حریم یا اندرونی کجاست؟ حریم برای او و زنان خانواده جایی است که درهای آن همیشه بر روی آن‌ها بسته است. دنیای مادی زنان مراکشی همواره محصور در حریم است، هرچند که با بال‌های رویا هر دم از آن می‌گریزند. مرنیسی با توصیف‌های کوتاه و پرکشش تصاویری از زندگی در اندرونی خانه‌ای بزرگ را به رشته تحریر درمی‌آورد. در این خانه، به رسم سنت، همه اعضای یک خانواده بزرگ در کنار هم زندگی می‌کنند: پدر بزرگ و نه همسرش، به همراه فرزندان، نوه‌ها و خدمتکاران. در این کتاب از زیبایی زنان صحبت شده، از درگیری‌ها و زندگی‌شان در یک خانه، آن هم در حالی که پدر خانه حق دارد چند همسر داشته باشد.

کتاب تصویری گویا از محدودیت‌ها و تبعیض‌های شدید اعمال شده علیه زنان از سوی مردانی است که حتی برخی از آن‌ها در جنبش استقلال طلبانه و میهن پرستانه مدرن فعال بودند. با واکاوی دقیق این کتاب می‌توان برخی از عوامل تأثیرگذار بر ذهن و فکر مرنیسی را استنباط کرد. کتاب سرشار از مفاهیم فمینیستی است؛ اعتراض به وضع موجود در عین علاقه به فرهنگ و سنت بومی تار و پود کتاب را تشکیل می‌دهد؛ به شیوه تبعیض‌آمیز آموزش و پرورش و جامعه‌پذیری دختران و پسران اشاره شده است که با نزدیک شدن سن بلوغ، به تدریج، ابعاد وسیع خود را بیشتر نشان می‌دهد. کتاب در واقع قصه مادر فاطمه است که بی‌شک از مؤثرترین افراد در شکل‌گیری اندیشه اوست. مادر، تحت تأثیر افکار و آرای قاسم امین در کتاب «تحریر المرأة»، پیوسته رویای جهان بدون مرز را برای فاطمه به تصویر می‌کشد. او از روبند و

لباس‌های گشاد و سنگین بیزار است. زنی است که آرزوی باسواد شدن و حسرت یک لحظه خلوت با همسرش را دارد. او از زندگی دسته‌جمعی در اندرونی‌گریزان است و فرزندانش را برای آینده‌ای روشن، آزاد و خوشبخت پرورش می‌دهد. نمی‌خواهد دخترانش سنتی تربیت شوند و سعی می‌کند آن‌ها را طوری پرورش دهد که خود آرزوی آن را داشت.

او می‌پندارد که حضور گستردهٔ فرانسویان در مراکش محیط را برای تربیت متفاوت آن‌ها مهیا می‌کند؛ به همین دلیل هم با اصرار فاطمه را، که از سه سالگی برای آموختن قرآن به مکتب‌خانه رفته بود، با وجود مخالفت جدی پدرش به مدرسه می‌فرستد. او قوانین حریم را آزردهنده می‌داند و از هر فرصتی برای فرار از آن بهره می‌جوید. به دخترش لباس‌های مدل غربی می‌پوشاند و می‌گوید «اهداف زن در لباس او منعکس می‌شود؛ پس اگر می‌خواهی مدرن باشی باید آخرین مدل لباس را بر تن کنی وگرنه خودت را پشت دیوارها و درهای بسته زندانی می‌یابی».

مرنیسی می‌گوید «با این که مادرم مسلمان بود اما نسبت به حجاب شک و تردید داشت و اصلاً دوست نداشت من محببه شوم ... بالاخره روزی فرا رسید که به مناسبت خروج فرانسویان از کشور برای جشن و تظاهرات خیابانی به همراه دیگر زنان از منزل خارج شد و وقتی برگشت دیگر نقاب بر چهره نداشت». دگرگونی‌ها و تحولات پدیدآمده در زندگی زنان مصر و ترکیه، چنان بر مادر مرنیسی تأثیر داشت که حتی برای مدتی او را دچار افسردگی کرد. همگان می‌گفتند جهان تغییر خواهد کرد و دیوارها فرو خواهد ریخت اما او هنوز احساس می‌کرد در حصار دیوارها زندانی است. او بی‌صبرانه منتظر تغییر جهان بود.

یکی دیگر از شخصیت‌های اثرگذار بر اندیشهٔ مرنیسی عمه حبیبه است. او با نقل داستان‌ها و سرگذشت «زن بالدار» که هرگاه اراده می‌کند می‌تواند از خانه‌اش به پرواز درآید، دیگران را شگفت‌زده می‌کند. او همیشه از تحقق رویاهایی سخن می‌گوید که همواره در ذهن پرورانده می‌شدند: این که رویاها می‌توانند زندگی را تغییر دهند و آزادی زمانی آغاز می‌شود که در ذهن کوچک به رقص درمی‌آید، سپس واژه می‌شود و در نهایت به ثبت می‌رسد. مرنیسی می‌گوید من تصمیم گرفتم آن مرزها را از بین ببرم و این رسالت را از آن شب‌ها با خود نگه داشتم.

یاسمن یکی دیگر از شخصیت‌های اندرونی است. او یکی از نه همسر پدربزرگ است که با تعدد زوجات همسرش مشکل دارد. او پیوسته از آینده‌ای روشن و برابر سخن می‌گوید که وطن‌خواهان و استقلال‌طلبان علیه فرانسه وعده داده بودند. در این آیندهٔ امیدبخش زنان حق تحصیل خواهند داشت و هر مردی می‌بایست تنها یک همسر بگیرد تا زنان مجبور نباشند برای این که کنار شوهرشان باشند روزها و شب‌های متوالی منتظر بمانند. یاسمن می‌گفت هر زنی که در حریم به سر می‌برد فاقد حرکت و آزادی است، خصوصاً اگر شریک همسران شوهرش باشد زیرا باید مانند آن‌ها سختی بکشد.

از تأثیر دیگر زنان اندرونی که بگذریم، به نقش و اهمیت رسانه می‌رسیم که در ایام کودکی مرنیسی چیزی جز رادیو و شنیدن صدا نبود، چرا که در آن زمان ورود دختران به سینما هنوز تابو محسوب می‌شد. زنان اندرونی جملگی مشتاق شنیدن صدای خوانندگانی نظیر اسمهان و ام‌کلثوم و تقلید از صدای آن‌ها بودند. اسمهان برای زنان نماد خوشبختی فردی و زندگی پر از لذت و عشق و مبارزه با قوانین قبایل بود. نمایشنامه‌خوانی و بازی شخصیت‌های واقعی و داستانی نظیر اسمهان، شهرزاد و دیگر زنان فعال، زنان اندرونی را برای رهایی از بند سنت‌های حاکم آماده می‌ساخت.

نکتهٔ جالب دیگر در مورد این داستان ارائهٔ تصویر ضمنی حضور بیگانگان در کشور است. گویی نوعی تشابه بین نگهبان اندرونی و مرزهای کشور وجود دارد. همچنان که در کودکی با مفهوم حریم و اندرونی آشنا می‌شود، حملهٔ بیگانگان به مرزهای کشورش را هم می‌بیند. در عین حال، از آن جا که مراکش مستعمرهٔ فرانسه است، حضور بیگانگان تأثیرات دیگری هم بر این جامعه دارد: مردم سبک زندگی متفاوتی را می‌بینند و با زندگی خود مقایسه می‌کنند، از جمله این که زنان فرانسوی



می‌توانستند آزادانه در ملاء عام ظاهر شوند در حالی که بزرگان حریم به فاطمه و دیگر دخترها می‌آموختند که زنان نباید از حریم خارج شوند. این کشمکش و تصویر دوگانه در ایجاد تحولات گسترده در جامعه آن زمان مراکش و هم در ذهن و زندگی فاطمه بی‌تأثیر نیست.

در مجموع، مرنیسی در این کتاب کوشیده است با ترسیم دوران کودکی خود، وضعیت زنان را در برهه‌ای از تاریخ نشان دهد. اوضاع نابسامان زنان در آن ایام آن‌ها را وادار کرده بود تا برای رهایی از حریم و زندان بر بال‌های رویا سوار شوند تا لحظاتی را بدون نگرانی از بی‌عدالتی‌ها به پرواز درآیند. مرنیسی خود یکی از همین زنان حریم بود که توانست رویاهایش را تحقق بخشد و با رهیافتی که همواره در زندگی‌اش پیش رو داشت، کوشید تا رویای زنان مسلمان دیگر را نیز به واقعیت نزدیک کند.

